

مصاحبه با سرگی گلوبیتسکی یکی از فلوریست های افسانه ای

دیمین لیفلت

ترجمه: عباسعلی فاریابی (۱۳۹۹/۶/۷)

صرف نظر از اسلحه خود، با هر شمشیرباز جهانی که صحبت کنید نام "سرگی گلوبیتسکی" در دنیای شمشیربازی برای او درست همانند نام "مایکل جردن" در بسکتبال یا نام "محمد علی" در بوکس می باشد. کسب مدال طلا در ۳ دوره قهرمانی جهان (۱۹۹۷-۱۹۹۹) رزومه او را برجسته می کند. به عنوان یک شمشیرباز او یکی از نادرترین نواذر شمشیربازی است. ضربه های او چشم ها را خیره می کرد، کارپای او بی نظیر بود، و علی رغم روحیه رقابت جویی او روی پیست، گلوبیتسکی در طول مسابقات بازی های هنرمندانۀ "لذتبخش" نادری را به نمایش می گذاشت.



در مسابقه کسب مدال طلای خود در مسابقات جهانی ۱۹۹۸، گلوبیتسکی با الویس گریگوری روبرو شد. در حالی که گلوبیتسکی یک کارت زرد قبلی داشت، درگیر یک کوراکور به نفع گریگوری شد. اما او برای جلوگیری از گرفتن کارت قرمز در یک بازی نزدیک، زبان بدن خود را طوری از جنگندگی انداخت و حریف را طوری بغل کرد گویا که یک برادر بزرگ تر خواهر یا برادر خود را پس از یک جدال از ترس مادر و پدر نوازش می کند. او گریگوری را در آغوش گرفت و شروع به زدن به پشتش کرد و دقیقاً همین طنز گلوبیتسکی باعث شد که داور به او کارت قرمز ندهد. او کتابی شگفت انگیزی با عنوان "شمشیربازی زندگی من است" را که خواندن آن برای هر شمشیرباز نوآموزی ضروری می باشد، نوشته است.

رزومه شمشیربازی او معرف شخصیت قهرمانی ایشان است، اما او در حال حاضر خود را به عنوان یکی از مریبان نخبه شمشیربازی جهان نیز معرفی کرده است. او در چند المپیک مربیگری کرده است (از جمله مربیگری همسرش، کارولین)، با تیم ملی فلوره آلمان و دیگران کار کرده است. او اهل اکراین می باشد و در حال حاضر در آمریکا زندگی می کند و مرکز شمشیربازی گلوبیتسکی در تاستین را اداره می کند.

من بسیار خوشحالم که مصاحبه خودم با سرگی گلوبیتسکی را به اشتراک بگذارم، که به اندازه کافی لطف داشت تا با من بنشیند و داستان های حیرت انگیزی را برای من بیان کند. من قطعاً امیدوارم که این آخرین ملاقات من با او نباشد.

شما همسرتان کارولین (و دیگران) را با نتایج چشمگیر بسیاری مربیگری کرده اید. آیا شما از مربیگری بیشتر از مسابقه دادن لذت می برید، و آیا هرگز آرزو نکرده اید که دوباره به بازی در مسابقات برگردید؟

من از سال ۱۹۹۶ به عنوان مربی شروع به کار کردم. من قبلاً در بسیاری از کشورها مشغول مربیگری فلوره با شمشیربازان رده های سنی و سطوح مختلف بانوان و آقایان بوده ام. من در کنار شاگردانم توانسته ام در پیروزی های ملی و بین المللی آنها مشارکت کنم. اما هنگام تماشای بازی آنها، همیشه به این فکر می افتادم: خدایا، مربی بودن خیلی خوب است! "اگر قرار باشد حقیقت را به شما بگویم! من هرگز آرزو نکرده ام که برای بازی به پیست برگردم.



از آن روزهایی که بازی می کردید، زمانبندی دستگاه های فلوره تغییر کرده است، و بالشتک محافظ گردن ماسک جزو هدف معتبر شده است. شما در مورد این تغییرات قوانین چه احساسی دارید و آیا با آنها موافقید؟

من از تغییرات فلوره بسیار استقبال می کنم. در واقع، یقه جلیقه الکتریکی قبلاً یک هدف معتبر بود، اما توسط بالشتک پوشانده شده بود! بنابراین، ما شاهد کمی تضاد بودیم: یقه طبق قوانین یک هدف معتبر است، اما بالشتک ماسک آن را می پوشاند. اکنون قانون درست شده است. در مورد زمان بندی - دستگاه دقیق تر شده است. با این زمان بندی زمان کمتری برای گمانه زنی ها داده می شود. اتک باید یک حمله واقعی باشد و نه یک نمایش.

گفته می شود که شما از داوران خریداری شده یا غرض ورز خوششان نمی آید و معتقدید که باید آنها را از شمشیربازی دور کرد. در بازی های المپیک ۲۰۱۲ لندن، ما شاهد دخالت دست داور در پیروزی (شین لام) بودیم. به نظر شما چگونه باید داوران را بی طرف تر کنیم؟

اتفاقی که برای شین لام در لندن افتاد یک فاجعه بزرگ بود! من در آن لحظه توان صحبت کردن را از دست دادم. باید بگویم، هایدمن همه تلاش خود را انجام داد تا در آن بازی پیروز شود، اما حق شین نبود که مدال خود را با این شیوه از دست بدهد! چه می توانم بگویم؛ "عامل انسانی"

همیشه مسئله ای بوده و هست. تنها دستگاه ثبت امتیاز یا تایمر، یا کرنومترها می توانند اندازه گیری های عینی را ارائه دهند. عامل انسانی در کلیه فعالیت هایی که یک انسان در آن دخیل است باعث ایجاد خطا خواهد شد. این غم انگیز است، اما این یک حقیقت تاسف آور در شمشیربازی است.

یکی از سخت ترین جنبه های شمشیربازی، مدیریت استرس ناشی از مسابقات بزرگ است. آیا می توانید برخی از کارهایی را که برای آرام کردن خود انجام می دادید با ما در میان بگذارید؟

روش های بسیاری وجود دارد که به شما کمک می کند تا استرس خود را از بین ببرید. برخی از آنها قانونی است، و برخی دیگر نیستند. می دانم که **تمرینات ذهنی** و آمادگی روانی به برخی از ورزشکاران کمک می کند. موسیقی، **خودگویی** یا **گپ** های ساده با دوستان قبل از مسابقه به دیگران کمک می کند. اما دستور العمل ساده من این است:

- یک برنامه گرم کردن خوبی داشته باشید.
- برای هر حریف که با آنها روبرو می شوید، یک برنامه تاکتیکی خوبی داشته باشید. هر حریفی را تجزیه و تحلیل کنید، مطمئن باشید که پیروزی به خودی خود حاصل خواهد شد.
- هم به خودتان و هم به پیروزی خود ایمان داشته باشید.



دیده شد که در المپیک ۲۰۰۰ شما بیشتر با مسائل شخصی سر و کار داشتید. ضمن احترام به حریم خصوصی شما، چه توصیه ای می توانید در مورد چگونگی برخورد با مسائل شخصی در هنگام رقابت در چنین رقابت سطح بالایی، برای سایر شمشیربازها ارائه دهید؟

من در المپیک پکن نیز با مسائل شخصی برخورد داشتم (اما از نظر طبیعت متفاوت بود). در آن زمان من سرمربی تیم ملی فلوره بانوان آلمان بودم. یکی از اعضای تیم من و سرپرست تیم شمشیربازی رفتار خوبی نداشتند، بگذارید حداقل بگویم که، "غیر حرفه ای" عمل می کردند. به دلیل این برخورد، در مسابقات تیمی مدال نقره را از دست دادیم. بعداً مرا به خاطر آن شکست هم مقصر دانستند.

در مورد المپیک ۲۰۰۰ سیدنی، این را باید بگویم: ورزشکار باید همه تلاش خود را بکند تا قلب خود را از سر خود جدا کند. اما فکر نمی کنم این ممکن باشد. ما انسان هستیم. بعضی اوقات ضعیف هستیم. چیزی به نام "زندگی" وجود دارد و ما نمی توانیم از آن فرار کنیم.

پر واضح است که شما عاشق شمشیربازی هستید، از این رو عنوان "**شمشیربازی زندگی من است**" را روی کتاب خود گذاشته اید. مربیان چه کاری می توانند انجام دهند تا عشق به این ورزش را در شاگردان شان القا کنند و برخی مسائل را جدی نگیرند؟

یک مربی باید **باهوش و منصف** باشد. او واقعاً باید همه بازیکنان خود را دوست داشته باشد و بدون استثناء مراقب هر یک از آنها باشد. او باید **پرشور** باشد. یک مربی واقعی باید بداند که در حال انجام چه کاری هست و چرا. او نباید به نفع خودش مردم و حقیقت را سر کار بگذارد.

فکر می کنید مناسب ترین راه برای کوچینگ یک شمشیرباز در طول یک دقیقه استراحت بین بازی های حذفی چیست؟

یک **تحلیل صریح** ارائه دهید. به شاگرد خود **بایدها و نبایدها** را بگویید (حتی اگر برخی بگویند که خوب نیست به شاگردتان بگویید "این کار را نکنید یا آن کار را نکنید"). مطمئن باشید که بازخورد و **اطلاعات مثبت بیشتری نسبت به اطلاعات منفی ارائه دهید**. سعی کنید تا شمشیربازتان در درون خود **احساس امنیت** بیشتری بکند. و آخر اینکه، سعی کنید **۱۰ ثانیه** آخر را برای خلوت کردن با خودش اختصاص دهید، تا شمشیرباز بتواند با خودش تنها باشد. او نیاز به زمان دارد تا آنچه را مربی به او گفته است، بفهمد.



شما بسیاری از بازی های خود را با نتیجه ۱۴-۱۴ انجام داده اید، یکی از مهم ترین آنها مقابل یانگ هو کیم کره ای در مسابقه کسب مدال طلای قهرمانی جهان ۱۹۹۷ بود. وقتی نتیجه ۱۴-۱۴ باشد، شما به منظور آمادگی ذهنی برای ضربه نهایی چه کاری انجام می دادید؟

شما هرگز خودتان را از قبل برای یک ضربه نهایی آماده نمی کنید! این فرآیند است. آخرین ضربه ارتباط مستقیمی به تجربه و آرامش شخصی شما دارد که پس از سال ها تمرین در ورزش شما ایجاد شده است. قبل از هر چیزی باید بگویم که **شمشیربازی ورزش تصمیم گیری** است. شما باید بدانید که در لحظه بعدی چه باید بکنید، یا اینکه غریزه خود را دنبال کنید. اگر تصمیمی درستی گرفته باشید، پیروز خواهید شد. "می دانم که چگونه" و تحقق عملکرد فنی در مرحله بعد به کار می آید. شانس را هم نباید فراموش کرد! و همه ما به آن احتیاج داریم. در فلوره یک میلی متر تعیین می کند که ضربه شما به هدف یا خارج از هدف اصابت کند.

آقای گلوبیتسکی از در اختیار گذاشتن وقت تان تشکر می کنم.